

امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) در کتاب طبقات الکبری

دکتر نعمت‌الله صفری فروشانی

سیده معصومه اخلاقی

چکیده

کتاب طبقات الکبری نوشته محمد بن سعد از منابع مهم تاریخی محسوب می‌گردد. بخشی از آن، دربردارنده موضوعات متنوعی از زندگی و شرح حال امام مجتبیٰ (علیه السلام) است. به جهت قرار گرفتن آن حضرت در میان صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ایشان در طبقه‌ای از اصحاب جای داده شده‌اند و به شرح حال امام ذیل طبقه پنجم پرداخته شده است نویسنده در ۱۸۶ روایت، شرح حال مفصلی از زندگی امام مجتبیٰ (علیه السلام) آورده که می‌توان به شکل کلی آن‌ها را در سه دسته جای داد: ۱. امام پیش از خلافت؛ ۲. امام در دوران خلافت؛ ۳. امام پس از صلح معاویه با ایشان.

توجه به حیات اجتماعی امام، از نکات مثبتی است که ابن سعد توجه زیادی به آن دارد. غلبه گزارش‌های مناقبی، از ویژگی‌های شرح حال امام حسن (علیه السلام) در این کتاب است. اما نقدهایی نیز بر کتاب وارد است که می‌توان از جمله آن‌ها انتخاب ارزش‌مدارانه گزارش‌ها، وجود روایات متناقض و توجه ناکافی به واقعه جنگ و صلح معاویه با امام دانست.

واژگان کلیدی: امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام)، طبقات الکبری، ابن سعد.

مقدمه

تبیین زندگانی امامان شیعه، یکی از نیازهای جامعه علمی خصوصاً جوامع شیعی است؛ زیرا لازمه قرار دادن امامان به عنوان الگو، آشنایی با سیره و سنت آنان است. گام اول در انجام دادن پژوهش علمی، بررسی و شناخت منابعی است که اطلاعات و آگاهی‌هایی درست در زمینه موضوع مورد بررسی ارائه می‌کند. *طبقات الکبری* نوشته ابن سعد کاتب واقدی، از جمله منابع مهم تاریخی محسوب می‌گردد که زندگی صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تابعین را تا عصر نویسنده بررسی کرده است. قدمت کتاب، روش تاریخ‌نگاری نویسنده و حجم زیاد اطلاعات، از مواردی است که کتاب را در جایگاه علمی مناسبی قرار می‌دهد. زندگانی امام حسن مجتبی (علیه السلام) حجم زیادی از این اثر را به خود اختصاص داده است. زندگی امام در طبقه پنجم صحابه قرار دارد؛ کسانی که در دوران پیامبر (صلی الله علیه و آله) خردسال بودند.

مطالعه این بخش، علاوه بر آن‌که اطلاعات فراوانی از زندگی و سیره امام حسن (علیه السلام) در اختیار قرار می‌دهد، بررسی و نقد آن به روشن شدن دیدگاه نویسنده و افزایش بینش پژوهش‌گران در پذیرش یا نپذیرفتن برخی گزارش‌های تاریخی و پیراستن گزارش‌های موجود یاری می‌رساند.

معرفی محمد بن سعد (۱۶۸ - ۲۳۰ ق)

ابوعبدالله محمد بن سعد بن منیع زهری بصری، مشهور به کاتب واقدی، تاریخ‌نگار و سیره‌نویس مشهور بغداد بود. وی در بصره متولد شد و از این‌روی وی را بصری لقب داده‌اند. وی را از موالی حسین بن عبدالله نواده عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله) خوانده‌اند.^۱ او از اولین سیره‌نویسانی بود که در خارج از مدینه نشأت

۱. ذهبی، سیره/علام النبلا، ج ۱۰، ص ۶۶۶.

یافت. غالب سیره‌نویسان پیش از او چون ابن اسحاق و واقدی مدنی بودند. ابن سعد در عراق متولد شد اما پیش از سال ۲۰۰ قمری به حجاز سفر کرد. به گفته خودش، در سال ۱۸۹ قمری در مدینه بوده و استادانی را در آن جا ملاقات کرد و پیش از سال ۲۱۰ قمری به عراق بازگشته است.^۱

وی در بغداد، در زمره شاگردان واقدی در آمد و از آنجایی که کتاب‌های وی را کتابت می‌کرد، به کاتب واقدی مشهور شد. وی جزو چهار نفری بود که کتاب‌های واقدی را در اختیار داشت.^۲ او در مسافرت‌های خود به مدینه و کوفه، به دیدار شیوخ و محدثان می‌رفت و به کتابت حدیث و جمع‌آوری کتب و روایت از آن‌ها می‌پرداخت و در نگارش کتب خود نیز از آن‌ها بهره می‌برد.

برخی وی را به کذب متهم کرده‌اند، اما تاریخ‌نگاران در ثقه دانستن او اتفاق دارند،^۳ زیرا وی روایات مختلف را جمع‌آوری می‌نمود و قبل از آوردن روایات، آن‌ها را بررسی می‌کرد.^۴ وی را عالم، دارای روایات و تصانیف فراوان خوانده‌اند^۵ اما در منابع، به جز طبقات الکبری تنها به سه اثر دیگر او با نام‌های طبقات الصغیر که از طبقات الکبری استخراج شده، اخبار النبی و الحیل اشاره کرده‌اند.^۶ به گفته برخی، وی آثاری در فقه و حدیث هم داشته است.^۷ ابن سعد را در علم نسب‌شناسی نیز توانا خوانده‌اند.^۸ او گاهی سلسله نسب شخصی را تا ده‌ها نسل

۱. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۷، ق ۲، ص ۹۹.

۲. ذهبی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۳۶۹.

۳. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۵۶۰.

۴. ذهبی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۳۷۹.

۵. ذهبی، سیر اعلام النبلا، ج ۱۰، ص ۶۶۴؛ تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۳۷۰.

۶. ابن ندیم، فهرست، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۷. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۳۷۰.

۸. جلالی، فهرس التراث، ج ۱، ص ۲۳۴.

دنبال کرده است. از این روی برخی این کتاب را اثری مهم در نسب‌شناسی هم به شمار می‌آورند.^۱

برخی رجالیان شیعه، با استناد به برخی مطالب طبقات، ابن‌سعد را شدیداً ناصبی دانسته‌اند. از جمله این که وی مدعی شده است پیامبر (صلی الله علیه و آله) تمام درها را به سوی مسجدالنبی سد کرد؛^۲ مگر درب خانه ابوبکر درحالی که وی درب خانه امام علی (علیه السلام) را به درب خانه ابوبکر تغییر داده است.^۳

هنگامی که مأمون در سال ۲۱۸ قمری خواست هفت نفر از سرشناسان و فقهای مشهور در دربار او حاضر شوند و به خلق قرآن شهادت دهند، ابن‌سعد یکی از آنان بود.^۴ این را می‌توان دلیلی بر شهرت علمی و فقهی وی در میان علمای زمانش دانست. او در سال ۲۳۰ قمری در ۶۳ سالگی در بغداد درگذشت.^۵

کتاب طبقات الکبری و جایگاه علمی آن

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، تاریخ‌نگاران توانایی وی را تأیید کرده و با صفاتی چون عالم، ثقه و امام‌الحبر توصیف کرده‌اند.^۶

ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱ ق)، احمد بن یحیی بلاذری (م ۲۷۹ ق) نویسنده انساب‌الاشراف، حارث بن ابی اسامه و حسین بن فهم را می‌توان از شاگردان به

۱. نویسندگان، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۴۲۸.

۲. ابن‌سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۲۷.

۳. تستری، قاموس الرجال، ج ۹، ص ۲۸۵.

۴. طبری، تاریخ الطبری، ج ۷، ص ۱۹۷.

۵. تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۳۷۰.

۶. ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۱، ص ۱۶۲؛ یافعی، مرآة الجنان، ج ۲، ص ۷۶؛ کتبی، الوافی بالوفیات، ج ۳، ص ۷۵.

نام او دانست.^۱ کتاب طبقات الکبری را ابن ابی الدنیا، حارث بن ابی اسامه و حسین بن فهم نقل کرده‌اند.^۲

این کتاب با سیره پیامبر ﷺ آغاز می‌شود و با شرح احوال صحابه، عالمان مدینه، مکه، طائف، یمن، یمامه، بحرین، کوفه، بصره، جزیره، اندلس، واسط، مداین، بغداد، خراسان، ری، همدان، قم و انبار ادامه می‌یابد. جلد پایانی آن به زنان اختصاص دارد.^۳ ابن سعد شرح حال افراد را مفصل و تقریباً کامل آورده است که این نکته و نیز اتصال مصادر روایات، از مزایای کتاب محسوب می‌گردد.

ابن ندیم کتاب‌های واقدی (م ۲۰۷ ق)، هشام کلبی (م ۲۰۴ ق)، هیشم بن عدی (م ۲۰۷ ق) و مدائنی (م ۲۳۵ ق) منابع مورد استفاده ابن سعد در این اثر را دانسته است.^۴ در هر حال، او بیش از همه از واقدی استفاده کرده است. آثار موسی بن عقبه، ابو معشر عبد الرحمان بن نجیح (م ۱۷۰ ق)، ولید بن مسلم اموی (م ۱۹۵ ق) و فضل بن دکین از دیگر آثار مکتوبی که وی از آنها بهره برده است.

این کتاب در میان آثاری که بعدها نگاشته شد، از جایگاه ارزشمندی برخوردار است که تاریخ‌نگاران اسلامی به ویژه رجالیان به آن مراجعه می‌کردند؛ گسترده‌ترین نقل روایات ابن سعد را شاگردش بلاذری (م ۲۷۹ ق) انجام داده باشد. وی در کتاب انساب/الاشراف بیش از هفتصد بار عبارات «حدثنی، قال، حدثنا یا اخبرنا محمد بن سعد»، را به کار برده است و ظاهراً پس از او ابن کثیر در البدایه و النهایه، طبری در تاریخ خود، ابن عبدالبر (م ۴۶۳ ق) در استیعاب (مقدمه) و سمعانی (م ۵۶۲) در الانساب از او روایت نقل کرده‌اند. نیز المنتظم، الغارات،

۱. عسقلانی، تهذیب/التهذیب، ج ۹، ص ۱۶۰.

۲. همان.

۳. ابن ندیم، فهرست، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۴. همان.

تاریخ اسلام ذهبی، سیر اعلام النبلا، الاصابه، تهذیب التهذیب، تاریخ دمشق، النجوم الزاهره و امتاع الاسماع، از جمله دیگر منابعی هستند که از طبقات استفاده کرده. از ابن سعد در کتاب‌های روایی سنی مانند المجموع محیی الدین النووی (م ۶۷۶ ق)، سنن الکبری بیهقی، الجوهر النقی ماردینی و حتی کتاب‌های روایی شیعه مثل کفایه الاثر خراز قمی، مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) و الغدیر علامه امینی (م ۱۳۹۰ ق) روایاتی را آورده‌اند.

این کتاب در سال ۱۹۰۴-۱۹۱۸ میلادی به کوشش ادوارد زاخائو و شرق-شناسان دیگر در هشت جلد در لیدن به چاپ رسید اما نسبت به نسخ موجود از آن در کتابخانه استانبول، افتادگی‌هایی در طبقات صحابه و تابعین اهل مدینه داشت. بخش مربوط به زندگانی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) از آن جمله بود که عبدالعزیز طباطبایی در سال ۱۴۰۸ قمری در شماره‌های ده و یازده مجله تراثا آن را منتشر کرد.

امام حسن (ع) در طبقات ابن سعد

به جهت قرار گرفتن امام حسن (ع) در میان صحابه پیامبر (ص)، ابن سعد شرح حال ایشان را ذیل طبقه پنجم آورده است. وی در این طبقه، کسانی را ذکر کرده که در زمان رحلت پیامبر (ص) خردسال بودند و در هیچ‌یک از غزوات شرکت نداشتند. شرح زندگی امام حسن (ع) در جزء هشتم کتاب قرار دارد.

ابن سعد در ۱۸۶ روایت، شرح حال مفصلی را از زندگی امام حسن (ع) نقل کرده است. عنوان بندی آن عبارتند از: ذکر اذان در گوش حسنین (ع) (دو روایت)؛ عقیقه امام (چهار روایت)؛ تراشیدن موی سر حسنین (ع) (چهارده روایت)؛ نام گذاری حسنین (ع) (ده روایت)؛ شباهت امام حسن (ع) به پیامبر (ص) (شش روایت)؛ مهرورزی پیامبر (ص) نسبت به امام و سخنان آن

حضرت درباره امام مجتبیٰ (ع) (۲۶ روایت در این بخش و چهار روایت در ضمن دیگر بخش‌های کتاب)؛ دعا‌هایی که پیامبر (ص) به امام آموختند (پنج روایت) و انگشتر و خضاب امام (ع) (هفت روایت). بقیه مطالب بدون عنوان‌بندی به شکل پراکنده آمده است. عموماً گزارش‌ها حول یک موضوع در کنار هم بیان شده که می‌توان آن‌ها را ذیل این عناوین به عنوان‌های مذکور افزود: شرکت امام در جنگ‌های دوره امام علی (ع) (پنج روایت)؛ رابطه امام با معاویه و امویان پس از صلح (شش روایت)؛ حیات اقتصادی امام (پنج روایت)؛ بیعت با امام حسن (ع) (چهار روایت)؛ جنگ معاویه با امام از آغاز تا برقراری صلح (هجده روایت)؛ ازدواج‌های امام (سیزده روایت)؛ علت درگذشت امام و وصیت و مراسم دفن (سی و هفت روایت)؛ امام در مدینه (پنج روایت) و روایاتی در موضوعات متفرقه.

وی این بخش را با ده روایت، درباره فرزندان امام و مادران ایشان آغاز کرده است. فرزندانی که از یک مادر بوده‌اند به صورت جدا به همراه نام مادرشان آورده که به این ترتیب زنانی که از امام حسن (ع) فرزند داشته‌اند، مشخص شده‌اند. این ده روایت بر خلاف روش معمول ابن‌سعد، بدون سند آمده است. بنابراین گزارش‌ها، تعداد همسران و کنیزان صاحب فرزند امام شامل ده تن و فرزندان امام ۲۵ تن، هفده نفر از زنان آزاد و هشت نفر از کنیزان بوده‌اند.^۱ جالب است در صفحات بعد، هنگامی که خواسته گزارش‌های مربوط به ازدواج‌های امام را ذکر کند، روایات مبنی بر طلاق و مزواج بودن امام را جمع‌آوری و بیان کرده است.^۲ برخی از موضوعات کتاب درباره امام مجتبیٰ (ع) عبارتند از:

۱. طبقات الکبری، الخامسة ۱، ص ۲۲۵ - ۲۲۶.

۲. در ادامه خواهد آمد.

۱. نام‌گذاری امام حسن (ع)

ابن سعد ده گزارش درباره نام‌گذاری امام مجتبیٰ (ع) آورده است. سند روایت از میان آن به شیعه و روایت دیگر به غیرشیعیان می‌رسد. این گزارش‌ها را در چند دسته می‌توان قرار داد:

۱. سه روایت از میان این روایات با طرق مختلف از زبان امام صادق (ع) از پدرش امام باقر (ع) نقل شده که نام حسنین (ع) توسط پیامبر (ص) گذارده شد و نام حسین از حسن مشتق گشت.^۱ این گزارش‌ها به نام‌گذاری حسنین توسط امام علی (ع) اشاره نکرده‌اند.

۲. روایتی دیگر از عبدالله بن محمد بن عقیل نقل شده که امام علی (ع) پس از تولد حسنین (ع) نام امام حسن (ع) را حمزه و نام امام حسین (ع) را جعفر نهاد اما با دستور پیامبر (ص) آن‌ها را به حسن و حسین تغییر داد.^۲

۳. دو روایت دیگر که هر دو به طرق مختلف به ابی اسحاق می‌رسد که در ادامه، سند یکی از آن‌ها به هانی بن هانی سپس به امام علی (ع) پایان یافته، این مضمون را بیان کرده‌اند که امام علی (ع) نام حسن (ع) را حرب نهاده بود، اما پیامبر (ص) آن را به حسن

۱. این روایت با سند کامل‌تر در منابع معتبر شیعی نیز ذکر شده است. شیخ صدوق این گزارش را از حسن بن محمد بن یحیی علوی از جد شیخ صدوق از داوود بن قاسم از عیسی از یوسف بن یعقوب از ابن عیینة از عمرو بن دینار از عکرمه نقل کرده است: «لما ولدت فاطمة (ع) الحسن جاء به إلى النبی فسماه حسنا فلما ولدت الحسین جاء به إليه فقالت یا رسول الله هذا أحسن من هذا فسماه حسینا.» روایت با تفاوت اندک و با اشتراک سه راوی اول با منابع سنی مشترک است. (صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۹؛ صدوق، معانی الاخبار، ص ۵۸).

۲. این گزارش در منابع شیعی هم آمده است. ابن شهر آشوب و علامه مجلسی روایت را از مسند ابن حنبل و ابی یعلی ذکر کرده‌اند. (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۹۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۵۱) اربلی نیز این گزارش را بدون سند از جناب‌دی نقل کرده است. (اربلی، کشف الغم، ج ۱، ص ۴۸۸) اما در منابع معتبر شیعه این گزارش یافت نشد.

تغییر داد. سپس این اتفاق در نام‌گذاری امام حسین (ع) نیز تکرار شد.^۱

۴. روایتی دیگر نیز که از ابن ابی الجعد به نقل از امام علی (ع) بیان شده، اظهار می‌دارد که امام علی (ع) دوست داشت نام حسن (ع) را حرب بگذارد که با مخالفت پیامبر (ص) روبه‌رو شد و ایشان نام حسنین و نیز محسن را برگزیدند. در این گزارش‌ها آمده، پیامبر (ص) می‌خواستند که فرزندان هم نام فرزندان هارون (شبر و شبیر و مشبر) باشد.^۲

۵. روایتی نیز نقل شده که نام حسنین (ع) پیش‌ازاین و در زمان جاهلیت وجود نداشت.^۳

چهار دسته اول، بیان‌گر چگونگی نام‌گذاری حسنین (ع) است. گزارش‌های نام‌گذاری امام حسن (ع) در منابع، به اشکال مختلف آمده که ابن‌سعد این گزارش‌ها را تقریباً کامل بیان کرده است.

روایتی در منابع شیعه وجود دارد که نام‌گذاری حسنین (ع) توسط امام علی (ع) و حتی تمایل امام به نامی خاص را بیان نکرده و گفته است زمانی که پیامبر نام نوزاد را سؤال کردند، امام علی (ع) فرموده که در این زمینه از پیامبر (ص) بپرسید.

۱. این گزارش از اسرائیل از ابی‌اسحاق از هانی در برخی منابع شیعی نیز وارد شده است. (نک: مناقب امام / میرالمؤمنین، ج ۲، ص ۲۲۱).

۲. گزارش دوست داشتن نام حرب از سوی امام علی (ع) در منابع روایی شیعی نیز آمده است. شیخ صدوق از امام رضا (ع) از امام موسی بن جعفر (ع) از امام صادق (ع) از امام باقر (ع) از امام زین‌العابدین (ع) از اسماء بنت عمیس از فاطمه زهرا (ع) چنین روایتی را آورده است (صدوق، عیون الاخبار/الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۵) فتال نیشابوری نیز این روایت را بدون ذکر سند از اسماء بنت عمیس آورده است. (نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۱، ص ۳۵۲) ابن شهر آشوب این گزارش را از هانی بن هانی از امام علی (ع) و نیز از امام سجاد (ع) از اسماء بنت عمیس نقل کرده است. (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۸۹)؛ اما این گزارش خالی از نقد نیست و مردود است.

۳. طبقات الکبری، الخامسة ۱، ص ۲۴۳.

پیشی نگرفته و نام نهادن فرزندان را به عهده ایشان گذاشته است.^۱

۲. شباهت امام حسن (علیه السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

موضوع بعدی ابن سعد، ذکر گزارش‌هایی است که شباهت امام حسن (علیه السلام) را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) با اسناد مختلف بیان کرده‌اند. در میان شش روایت، یک روایت از امام علی (علیه السلام) نقل شده که امام حسن (علیه السلام) از سینه تا سر و امام حسین (علیه السلام) از آن به پایین شبیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند. گویا کتاب مسند احمد بن حنبل، اولین سند مدون از این روایت است که از ابی اسحاق از هانی بن هانی از امام علی (علیه السلام) نقل کرده^۲ و سپس دیگر نویسندگان سنی مثل ترمذی^۳ و ابن عبدالبر^۴ آن را آورده‌اند و البته از جمله روایات ضعیف شمرده شده است.^۵ گرچه این روایت در منابع مناقبی و دلایل-نگاری شیعه نفوذ نموده،^۶ در منابع معتبر شیعه یافت نشد و منابع معتبر تنها به شباهت امام به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اشاره کرده‌اند.^۷

دیگر گزارش‌های این بخش سند شیعی نداشته و در برخی منابع شیعی با همین اسناد روایت شده است.^۸

۳. محبت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به امام حسن (علیه السلام)

۱. شیخ صدوق، الامالی، ص ۱۹۷؛ صدوق، معانی الاخبار، ص ۵۷.
۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۹۹.
۳. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۵.
۴. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۸۴.
۵. البانی، ضعیف سنن ترمذی، ص ۵۰۸.
۶. نک: کوفی، مناقب الامام الامیر المومنین، ص ۲۵۵؛ مغربی، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۹۷؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۱۵۹؛ بحرانی، مدینه المعاجز، ج ۳، ص ۲۲۸.
۷. مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۵.
۸. اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۵۰.

عنوان بعدی ابن سعد، سخنان پیامبر (ص) درباره امام مجتبی (ع) و بیان مهرورزی حضرت رسول (ص) نسبت به ایشان است. ابن سعد ۲۷ روایت در این قسمت آورده است. دوازده روایتی را که درباره سخنان پیامبر (ص) است، می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: پنج روایت درباره این سخن پیامبر (ص) است که امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را سید جوانان بهشت خوانده‌اند. دسته‌ای دیگر که گزارش داده‌اند: روزی طبقی از خرمای زکات نزد پیامبر (ص) آوردند و اما حسن (ع) که کودک بود از میان آن خرما برداشت و در دهان گذاشت. در این هنگام پیامبر (ص) خرما را از دهان امام خارج ساختند و فرمودند: «زکات بر آل محمد (ص) حرام است».^۱

دسته دیگر پنج روایت است که پیامبر (ص) درباره امام حسن (ع) فرموده‌اند: «ان ابنی هذا سید و ان الله سیصلح به بین فئتين من المسلمین».^۲ این گزارش که با تفاوت‌های اندک در منابع معتبر اهل سنت وارد شده،^۳ با اسناد مختلف در طبقات الکبری آمده است. همه سلسله اسناد به پیامبر (ص) ختم شده اما درباره موضع و مکان‌هایی که پیامبر (ص) این سخن را فرمودند، اتحاد ندارند و به نظر می‌رسد پیامبر (ص) بارها در مکان‌های مختلف این سخن را تکرار کرده‌اند. گویا ابن سعد کوشیده این حدیث را به هر شکلی که نقل شده جمع‌آوری کند. اما با رجوع به منابع معتبر شیعه، در می‌یابیم چنین حدیثی نقل نشده و تنها در منابع نامعتبر و مناقبی شیعه با سلسله سند غیرشیعی نقل شده است. به نظر می‌رسد برخی منابع برای آن‌که به زعم خود برای صلح امام حسن (ع) توجیه قابل قبولی

۱. طبقات الکبری، الخامسة، ۱، ص ۳۶۸.

۲. همان، ص ۲۵۶؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۸۴؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۶، ص ۲۱۹؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۳۹۵.

۳. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۶۹ و ج ۴، ص ۱۸۴؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۳۸؛ ابن ابی شیبه، المصنف، ص ۵۱۶؛ الاستیعاب، ص ۳۸۶.

بیاورند و آن را موجب خرسندی خدا و رسولش نشان دهند، این روایت را از منابع سنی گرفته‌اند؛^۱ درحالی‌که به نظر می‌رسد این روایت، ساخته امویان باشد تا به نوعی صلح امام حسن علیهما السلام را تقدیر الهی و عملی مورد رضای پیامبر ﷺ نشان دهند به ویژه این‌که در این گزارش، پیامبر ﷺ را از این موضوع با رضایت یاد کرده‌اند و با پذیرش آن، معاویه و همراهان او، گروهی از مسلمانان و هم‌ردیف امام حسن علیهما السلام و یارانش محسوب می‌گردند، نه گروهی که به شکل نامشروع خلافت را از فرزند پیامبر ﷺ گرفتند. در برخی منابع تاریخی نیز این موضوع آمده که معاویه پس از صلح با شادمانی این سخن را نقل کرد و آن را به پیامبر ﷺ منتسب ساخت.^۲

پانزده روایت درباره مهرورزی و شدت محبت پیامبر ﷺ به امام حسن علیهما السلام است. این روایات از ابوهریره، براء بن عازب، ابوسعید خدری، زهیر بن اقم، عمیر بن اسحاق، ابوسلمه بن عبدالرحمان، ابن عباس، علی بن یزید و زید بن ارقم نقل شده است. برخی از این روایات، با همان اسناد در منابع شیعه موجود است^۳ و در برخی موارد، علاوه بر سند، در محتوا نیز با گزارش‌های ابن سعد اختلافاتی دارد.^۴

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۴۰ و ج ۴، ص ۲۰؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۵، ص ۵۱۹، ۵۲۰ و ۵۲۸؛ مجلسی، مرآة

العقول، ج ۱۲، ص ۲۴۳؛ طبرسی، اعلام‌الوری، ج ۱، ص ۴۱۲؛ صالحی شامی، سبل‌الهدی، ج ۱۱، ص ۶۷.

۲. الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۸۶؛ ابن اثیر، اسد‌الغابه، ج ۱، ص ۴۹۱؛ مسعودی، مروج‌الذهب، ج ۲، ص ۴۳۰.

۳. برای نمونه نک: طوسی، امالی، ص ۲۴۹؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۵۲۰ و ۵۴۹.

۴. برای نمونه، یکی از احادیث این بخش درباره کشتی گرفتن امام حسن علیهما السلام و امام حسین علیهما السلام در نزد پیامبر ﷺ است که ایشان حسن علیهما السلام را تشویق می‌کردند. در این هنگام عایشه از ایشان پرسید: «چرا کودک بزرگ‌تر را در مقابل کودک خردسال‌تر تشویق می‌کنید.» پیامبر ﷺ در جواب فرمود: «حسین علیهما السلام را جبرئیل تشویق می‌کند.» در برخی منابع شیعه این گزارش با تفاوت در سند از امام علی علیهما السلام نقل شده و در آن به جای عایشه از حضرت فاطمه علیها السلام نام برده شده است. (ابن طاووس، الطرائف، ج ۲، ص ۴۱۴؛ حمیری، قرب‌الاسناد، ص ۱۰۱).

۴. ازدواج‌های امام

ابن سعد زندگی امام را با ده روایت درباره فرزندان امام و مادران ایشان آغاز کرده است. بنابراین گزارش‌ها، تعداد فرزندان امام ۲۵ تن و همسران و کنیزان صاحب فرزند امام شامل ده تن بوده‌اند.^۱ با این حال، دوازده روایت دیگر درباره ازدواج‌های امام است.^۲ حجم این روایات، نشان می‌دهد این موضوع، از جمله موضوعاتی بوده که نویسندگان برای جمع‌آوری روایات آن تلاش زیادی انجام داده است. او در هشت روایت، امام را تلویحاً یا آشکارا مطلق دانسته و روایات دیگر نیز مربوط به ازدواج‌های امام است. از این میان، سند شش روایت شیعی و بقیه غیر شیعی است. از جمله روایتی منسوب به امام علی (ع) است که از ازدواج‌ها و طلاق‌های پی‌درپی امام حسن (ع) ابراز نگرانی کرده که مبدا قبایل را با او دشمن کند.^۳ در روایتی دیگر از امام باقر (ع) نقل شده امام علی (ع) مردم را از این که زنان را به عقد امام حسن (ع) در آورند منع فرمودند و او را مطلق خواندند.^۴

۵. صلح امام حسن (ع)

ابن سعد ذیل عنوان «مبايعه اهل العراق للحسن و مايشترط عليهم» و عنوان بعدی «تنازل الحسن و الصلح بين المسلمين» به وقایع سیاسی این دوره و صلح امام با معاویه پرداخته است. به نظر می‌رسد ابن اسعد با انتخاب این دو عنوان، بر نکاتی تأکید داشته است. او در عنوان اول در کنار عبارت «بیعت اهل عراق با امام حسن (ع)» عبارت «و آنچه با آن‌ها شرط کرد»، خواسته در همان ابتدا توجه

۱. الطبیقات الکبری، الخامسة ۱، ص ۲۲۵.

۲. همان، ص ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴ و ۳۳۴.

۳. همان، ص ۳۰۱؛ این گزارش در منابع روایی شیعه یافت نشد.

۴. همان، ص ۳۰۲؛ کلینی، کافی، ج ۶، ص ۵۶.

را به شرط امام حسن (علیه السلام) مبنی بر «جنگ آن‌ها با کسی که امام با او در جنگ باشد و صلح با کسی که امام با او صلح کند» معطوف سازد و تصمیم امام بر صلح را از همان ابتدا یادآور شود. ضمن این‌که ظاهراً با قید بیعت اهل عراق، خواسته بیعت با امام را به عراق محدود نماید. در عنوان دوم «کناره‌گیری امام حسن (علیه السلام) و صلح بین مسلمانان»، معاویه و شامیان و امام حسن (علیه السلام) را در کنار یک‌دیگر قرار می‌دهد و به شکلی حسن رضایت خود را از کناره‌گیری امام نمایان می‌سازد. او با روایتی از خطبه‌های امام پس از شهادت امام علی (علیه السلام) و بیعت او با مردم آغاز کرده است.

در روایتی از قول ریاح بن حارث می‌گوید: امام حسن (علیه السلام) پس از درگذشت پدر، خطبه‌ای خواندند که در آن فرمان خدا را آمدنی دانستند گرچه مردم از آن ناخشنود باشند. سپس عدم تمایل خود را با ریخته شدن خون مسلمانان برای رسیدن به حکومت ابراز کردند. وی از همان ابتدا، خواسته بی میلی امام به جنگ را نشان دهد، درحالی‌که طبق گفته منابع دیگر، امام این خطبه را پس از درگیر شدن با معاویه و دلسرد شدن از سپاه خود بیان کردند و تعدادی از سپاه امام و خوارج موجود در سپاه، این سخنان را حمل بر تصمیم امام بر صلح دانستند و شورش کردند.^۱ سپس اشاره کرده که مردم و کسانی که با امام بیعت کرده بودند، از ایشان خواستند تا به جنگ معاویه بروند و امام را به این کار تحریک کردند. به نظر می‌رسد ابن سعد مایل بوده امام را خواهان صلح با معاویه معرفی کند، نه به سبب سستی سپاهیان و همراهان ایشان. پس از این به شورش سپاه امام می‌پردازند که به سبب شایعه‌پراکنی دشمن و پراکندن خبر مرگ قیس ایجاد شده بود. او

۱. دینوری، اخبار الطوال، ص ۲۱۷؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۴؛ جلوه تاریخ در نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ص ۳۸.

سپس به زخمی شدن امام و رفتن حضرت به کاخ مداین پرداخته است. امام طی خطبه‌ای ناراحتی خود را از سپاه خویش و کوفیان ابراز داشتند و عمر بن سلمه ارحبی را فراخواندند و او را همراه نامه‌ای پیش معاویه فرستادند و از او تقاضای صلح کردند که با سه شرط حکومت را به او واگذارند.

تمام شرح او از جنگ امام همین است، اما روایات زیادی درباره حواشی این اتفاق آورده است. سپس روایات نسبتاً طولی درباره وقایع پس از صلح مانند اعتراض شیعیان به صلح، خطبه‌های امام پس از صلح و مفاد صلح‌نامه بیان کرده است. او قرار گرفتن بیت‌المال کوفه در اختیار امام حسن (ع)، تعلق خراج دارابگرد و فسا به امام و ترک لعن امام علی (ع) در حضور ایشان را به عنوان مفاد معاهده ذکر کرده است. ابن سعد به جز دادن خراج دارابگرد و فسا به امام، روایاتی در انجام شدن دیگر تعهدات توسط معاویه آورده.^۱ که البته برخی منابع معتقدند معاویه به هیچ یک از تعهدات خود عمل نکرد.^۲

۶. درگذشت امام مجتبیٰ (ع)

ابن سعد حجم زیاد ۳۵ صفحه‌ای از این بخش را به روایات مربوط به وفات امام اختصاص داده که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم نمود: گزارش‌های مربوط به چگونگی و علت درگذشت امام و گزارش‌های مربوط به مراسم تدفین و کم و کیف آن.

ابن سعد هفت گزارش درباره مسمومیت امام آورده و علت درگذشت امام را مسموم شدن ایشان می‌داند؛ اما درباره این که چه کسی امام را مسموم ساخت، در

۱. طبقات کبری، ج الخامسة ۱، ص ۳۲۲.

۲. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۲۴؛ جلوه تاریخ در نهج البلاغه/ ابن ابی الحدید، ص ۸.

روایتی آن را به جعده نسبت داده است.^۱ درجایی دیگر با تردید می‌گوید: «شنیدم برخی می‌گویند معاویه دستور داد تا به او سم بخوراند».^۲

نویسنده موضوع تدفین امام و جلوگیری امویان از دفن ایشان در کنار قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را مفصل در چند روایت طولانی بیان کرده است. در این بخش درگیری‌های لفظی میان بنی‌هاشم و بنی‌امیه که نزدیک بود به درگیری نظامی بینجامد با جزییات بیان شده است. منابع دیگر معمولاً این بخش را در این حد مفصل بیان نکرده‌اند. بر اساس این گزارش‌ها مروان کسی بود که نقش اصلی در جلوگیری از دفن امام در کنار قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را داشت. او بنی‌امیه را به این کار تحریک کرد. ابن سعد نقش عایشه را با عباراتی کوتاه بیان کرده و تنها این نکته را آورده که او گفته بود این کار عملی نخواهد شد و امام علی (علیه السلام) و خانواده‌اش نزد او پسندیده نیستند.^۳ سپس سخنانی در تأیید کار مروان آورده است. او می‌گوید: «مردم کار مروان را تأیید کردند و این که کس دیگری در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خلیفه اول دفن شود، خطایی بزرگ می‌دانستند و به مروان می‌گفتند: "کار خوبی کردی، نباید هرگز نفر چهارمی با آنان باشد"».^۴ او با این سخنان، به ذهن خواننده این مطلب را متبادر می‌کند که برای تأیید کار مروان و عایشه تلاش کرده است.

۱. طبقات الکبری، الخامسة، ص ۳۳۴.

۲. همان، ص ۳۳۵؛ برخی منابع دیگر آشکارا به دستور معاویه در مسموم ساختن امام پرداخته‌اند. (برای نمونه نک: ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۶۰؛ مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۶، ص ۵).

۳. طبقات الکبری، ص ۳۵۶؛ یعقوبی در تاریخ خود به جلوگیری امویان و نقش عایشه در جلوگیری از دفن امام در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرداخته، می‌گوید: «عایشه سوار بر شتری بود و می‌گفت اجازه دفن در کنار پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نخواهم داد». قاسم بن محمد بن ابی بکر نزد او آمد و ماجرای جنگ جمل و این که آنان هنوز از بابت آن شرمسار هستند را به عمه‌اش یادآور شد و از این روی، عایشه بازگشت. (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۵؛ مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۱۹۴).

۴. همان، ص ۳۵۶.

بررسی و نقد

در بررسی حیات امام حسن (ع) در کتاب *الطبقات الکبری* به نکاتی توجه کرد که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) توجه به حیات اجتماعی امام

اهمیت کتاب *طبقات الکبری* در شناخت وقایع زندگی امام حسن (ع) خصوصاً زندگی اجتماعی امام انکارشدنی نیست. روایات ابن سعد در این زمینه با حجم نسبتاً زیاد جمع‌آوری شده است که یکی از مزایای کتاب محسوب می‌گردد. وی به نکاتی از زندگی امام اشاره کرده که در دیگر منابع تاریخی کم‌تر می‌توان به آن‌ها دست یافت. از جمله گزارش‌های او درباره عقیقه امام، نام‌گذاری، تراشیدن سر ایشان، رفتار پیامبر (ص) با امام و سخنان ایشان درباره او، دعاهایی که پیامبر (ص) به امام آموخته بودند، انگشتر امام و نقش نگین آن و ازدواج‌های امام. ورود ابن سعد که با گزارش فرزندان امام و مادرانشان است، به شکلی از نگاه اجتماعی ابن سعد به تاریخ گواهی می‌دهد.

برای نمونه، ابن سعد ده گزارش درباره نام‌گذاری امام حسن (ع) آورده است. سند برخی به راویان شیعه و برخی به غیرشیعیان می‌رسد. این ده گزارش تقریباً تمام گزارش‌هایی را شامل می‌شود که در این موضوع وجود دارد و می‌توان گفت جامع و کامل بیان شده است.

ب) غلبه گزارش‌های مناقبی

مناقب امام بخش عمده‌ای از شرح حال امام حسن (ع) در *طبقات الکبری* را تشکیل می‌دهد. ابن سعد فضایل امام را در دو بعد دیده است: فضایی که به سبب قربت امام با پیامبر (ص) در ایشان موجودیت یافته و فضایی که مستقلاً در امام وجود داشته است. البته در بعد اول، بسیار برجسته‌تر به آن‌ها نگریسته شده و گزارش‌های مربوط به این فضایل با دقت بسیار جمع‌آوری گردیده. به گونه‌ای که

کتاب در ابتدا، مناقب نگاری به نظر می‌رسد.

مواردی چون نام‌گذاری امام و عقیقه ایشان توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله)، ذکر شباهت امام به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مهرورزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت به امام و سخنانی که در این مورد فرموده و آن‌چه به او آموخته‌اند، از جمله مناقبی است که ابن‌سعد برای امام در سایه قربت او با پیامبر (صلی الله علیه و آله) آورده است. مواردی چون زهد و سخاوت امام که به شکل پراکنده در شرح زندگی امام وجود دارد و بخش محدودی از روایات را در بر گرفته، فضایی است که ابن‌سعد برای امام حسن (علیه السلام) به عنوان یک انسان عادی قائل است.

انتخاب ارزش‌مدارانه گزارش‌ها

به نظر می‌رسد ابن‌سعد گاه در گزینش روایات، در برخی موضوعات دچار انتخاب‌های ارزشی شده است. برای مثال، در ابتدای شرح زندگانی امام به تفصیل، فرزندان امام را همراه مادرانشان یاد کرده و از ۲۵ فرزند و ده همسر اعم از زنان آزاد و کنیزان امام نام برده است. سپس در لابه‌لای شرح زندگانی امام، دوازده گزارش درباره ازدواج‌های امام جمع‌آوری و بیان کرده که از میان این تعداد، هشت روایت به صراحت و یا تلویحاً امام را به مزواج و مطلاق بودن متهم نموده به تناقض گزارش‌های ابتدای بخش اعتنا نکرده است. نامعلوم بودن نسب و قبیله همسران امام و زنان مطلقه ایشان و نام برده نشدن آن‌ها در منابع تاریخی، درستی این روایات را زیر سؤال می‌برد. ابوالحسن مدائنی که قائل به هفتصد همسر برای امام بوده، درحالی‌که از نسب‌شناسان مشهور دانسته شده،^۱ توانسته تنها یازده نفر را به عنوان همسر امام نام ببرد.^۲ تعداد همسران امام در این گزارش‌ها از پنجاه نفر تا

۱. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰، ص ۴۰۰-۴۰۱.

۲. البلدای، القول الحسن فی عدد زوجات الامام الحسن (علیه السلام)، ص ۲۸۰-۲۸۸.

نهصد نفر در نوسان است. وجود چنین اختلافی در تعداد، طبیعی به نظر نمی‌رسد. تعداد فرزندان امام حسن (ع) بین هفت نفر^۱ تا ۲۵ نفر گفته شده^۲ و مادران آنها هم با نام و نسب، امولد بودن یا آزاد بودن آنها ثبت شده است. در این میان نیز خبری از زنان دیگری که برای امام ادعا شده نیست. تعداد فرزندان امام حسن (ع) شاهی بر تعداد اندک همسران ایشان است.^۳

نمونه دیگر، وی در میان روایاتی که سخنان پیامبر (ص) را درباره امام آورده، ذینج روایت را جمع‌آوری کرده که ایشان درباره امام حسن (ع) فرموده‌اند: «ان ابني هذا سيد و ان الله سيصلح به بين فئتين من المسلمين.»^۴ این گزارش که با تفاوت‌های اندک در منابع معتبر اهل سنت وارد شده،^۵ با اسناد مختلف در طبقات الکبری آمده است. همه سلسله اسناد به پیامبر (ص) ختم شده اما درباره موضع و مکانی که پیامبر (ص) این سخن را فرموده، اتفاق ندارند و گویا پیامبر (ص) بارها در مکان‌هایی مختلف این سخن را تکرار فرموده‌اند و یا ابن سعد کوشیده این حدیث را به هر شکلی که نقل شده جمع کند. این حدیث در منابع معتبر شیعه نقل نشده است و تنها در منابع نامعتبر و مناقبی شیعه با سلسله سند غیرشیعی آمده^۶ که به نظر می‌رسد این منابع، برای آن‌که به زعم خود برای صلح

۱. مقدسی، آفرینش و تاریخ، ج ۲، ص ۷۷۴.

۲. طبقات الکبری، الطبقة الخامسة، الجزء الاول، ص ۲۲۵-۲۲۶.

۳. برای اطلاع بیش‌تر از تقدایی که بر اتهام ازدواج‌های مکرر امام وارد شده است نک: بسطام البلداوی، القول الحسن فی عدد زوجات الامام الحسن (ع)؛ نعمت‌الله صفری، و معصومه اخلاقی، «نقد و بررسی زندگی/اما حسن (ع) از دیدگاه دونالدسن»، مجله طلوع، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، بهار ۹۱، ش ۳۹؛ احمد زمانی، حقایق پنهان، ص ۳۴۰-۳۵۴؛ فضل‌الله کمپانی، حسن کیست، ص ۲۸۹-۲۹۶.

۴. طبقات الکبری، الخامسة ۱، ص ۲۵۶؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۸۴؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۶، ص ۲۱۹؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۳۹۵.

۵. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۶۹ و ج ۴، ص ۱۸۴؛ ابن حنبل، مسند/احمد، ج ۵، ص ۳۸؛ ابن ابی شیبه، المصنف، ص ۵۱۶؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۸۶.

۶. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۴۰ و ج ۴، ص ۲۰؛ کشف الغمه، ج ۵، ص ۱۹، ۲۰ و ۲۸؛ مجلسی، مرآة

امام حسن (علیه السلام) توجیه قابل قبولی بیاورند و آن را موجب خرسندی خدا و رسولش نشان دهند، این روایت را از منابع سنی گرفته‌اند. درحالی که به نظر می‌رسد این روایت ساخته امویان است تا به نوعی صلح امام حسن (علیه السلام) را تقدیر الهی و عملی مورد رضای پیامبر (صلی الله علیه و آله) نشان دهند به‌ویژه این که در این گزارش، پیامبر (صلی الله علیه و آله) از این جریان با رضایت یاد کرده و با پذیرش آن، معاویه و همراهان او گروهی از مسلمانان و همدریف امام حسن (علیه السلام) و یارانش محسوب می‌گردد نه گروهی که به شکل نامشروع خلافت را غصب کردند: این مطلب نیز در برخی منابع تاریخی ذکر شده است که معاویه پس از صلح، با شادمانی این سخن را نقل کرد و آن را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) منتسب ساخت.^۱

نگاه ارزشی ابن سعد و موضع‌گیری جانب‌دارانه او درباره جریان جنگ امام با معاویه و صلح نیز جالب توجه است که پیش از این گفته شد.

د) روایات متناقض

از جمله اشکالاتی که بر ابن سعد می‌توان وارد دانست، آوردن روایات متناقض است. گویا وی گاهی در انتخاب روایات و گزارش‌ها، منفعلانه برخورد کرده و هیچ موضعی نداشته است. از جمله روایتی که در آن به مشاجره امام علی (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) اشاره می‌کند. طبق این روایت، امام مجتبی (علیه السلام) در راه رفتن به سوی لشکر جمل، با لحنی سرزنش‌آمیز به پدر یادآوری کرد که پیش از این نیز او را از جنگ جمل بازداشته بود و اکنون نیز از او می‌خواهد تا بازگردد. امام علی (علیه السلام) نیز او را ناسزا گفت و سرزنش کرد.^۲ ابن سعد در حالی این گزارش را آورده که خود از تلاش امام حسن (علیه السلام) برای بسیج مردم کوفه برای شرکت در جنگ جمل خبر

العقول، ج ۱۲، ص ۲۴۳؛ طبرسی، اعلام‌الوری، ج ۱، ص ۱۲؛ صالحی شامی، سیل‌الهدی، ج ۱۱، ص ۶۷.

۱. مسعودی، مروج‌الذهب، ج ۲، ص ۴۳۰؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۸۶؛ ابن‌اثیر، اسد‌الغابه، ج ۱، ص ۴۹۱.

۲. طبقات‌الکبری، الخامسة، ص ۲۷۴.

می‌دهد.^۱ نیز روایتی آورده است که می‌گوید: روزی امام علی علیه السلام از امام حسن علیه السلام خواست تا سخن‌رانی کند اما امام حسن علیه السلام از این که در حضور پدر سخن بگوید خودداری کرد تا این که امام علی علیه السلام خود را از دید فرزند مخفی نمود. در ادامه آورده که امام علی علیه السلام پس از اتمام سخنان امام مجتبیٰ علیه السلام، وارد مجلس شدند و با قرائت آیه «ذریه بعض‌ها من بعض و الله سمیع علیم»^۲ بر او مباحثات کردند.^۳ نیز طبق روایتی دیگر، امام حسن علیه السلام به جهت حلم و ادب ستوده شده^۴ پس چگونه چنین جسارتی بر پدر روا دارد که او را جانشین پیامبر ﷺ می‌داند.^۵

وی چند روایت مبنی بر سخن‌دانی امام حسن علیه السلام آورده و به ستایش حضرت علی علیه السلام از امام مجتبیٰ اشاره کرده، باین حال روایاتی آورده است که در آن از سخن گفتن امام به نیکی یاد نشده و گفته امام علی علیه السلام سخن گفتن او را مانند آرد کردن به وسیله شتری تشبیه کرد که این کار را نیاموخته و او را حجاب اهل بیت دانست.^۶

ه) بی‌توجهی به وقایع مهم زندگی امام مجتبیٰ علیه السلام

درحالی که به نظر می‌رسد روش ابن سعد گردآوری تمام گزارش‌های موجود در یک موضوع بوده، نه گزینش برخی از آن‌ها، به بعضی وقایع اساسی دوران امام بسیار گذرا و ناقص پرداخته است. درحالی که ۲۷ روایت درباره مهرورزی پیامبر ﷺ نسبت به امام، و دوازده روایت درباره ازدواج‌های ایشان، چهارده روایت درباره تراشیدن موی سر ایشان و یازده روایت درباره درگذشت امام آورده، تمام گزارش‌های مربوط به جنگ امام با معاویه و وقایع صلح به نه روایت

۱. همان، ص ۲۷۵.

۲. «فرزندانی که برخی از برخی‌اند و خدای شنوای داناست» (سوره آل عمران، ص ۳۴).

۳. طبقات الکبری، الخامسة ۱، ص ۲۷۶-۲۷۸.

۴. همان، ص ۲۸۰ و ۳۵۴.

۵. ابن اعثم، الفتوح، ج ۴، ص ۲۸۴-۲۸۵.

۶. همان، ص ۲۷۷-۲۷۸.

محدود می‌شود که اگر روایاتی را که ارتباط مستقیم با واقعه نداشته و بیش‌تر خطبه‌های امام و وقایع پس از صلح را شامل می‌شود، نادیده بگیریم، تنها یک روایت باقی می‌ماند که به اتفاقات جنگ و جریان صلح می‌پردازد و به هیچ‌وجه تصویر گویایی به دست نمی‌دهد. ابن سعد به این موضوع و به مقطعی که امام خلافت را در دست داشتند، به شکل شایسته نپرداخته است.

نتیجه

طبقات الکبری نوشته ابن سعد مشهور به کاتب واقدی تاریخ‌نگار و سیره‌نویس مشهور بغداد است. به جهت قرار گرفتن امام حسن (ع) در میان صحابه پیامبر (ص)، ابن سعد ایشان را در طبقه پنجم از اصحاب جای‌داده و به شرح حال ایشان پرداخته است. او در این طبقه، کسانی را ذکر کرده که در زمان رحلت پیامبر (ص) خردسال بودند و در هیچ‌یک از غزوات شرکت نداشتند.

ابن سعد در ۱۸۶ روایت، شرح حال مفصلی را از زندگی امام حسن (ع) ارائه کرده و به موضوعات متنوعی از زندگی امام پرداخته است. در مجموع، مطالب گنجانده شده در این بخش را می‌توان در سه دسته جای داد: ۱. امام حسن (ع) پیش از خلافت؛ ۲. امام در دوران خلافت؛ ۳. امام پس از صلح با معاویه. دسته اول بیش‌ترین حجم روایات را دربر دارد و بیش‌تر شامل گزارش‌هایی از دوران کودکی امام و تعداد محدودی نیز درباره رابطه امام حسن (ع) با امام علی (ع) است.

دسته دوم، کم‌ترین حجم را دارد. این قسمت از زندگی امام بسیار کم‌رنگ و به شکل گذرا بیان شده است اشاره می‌کند. تعداد اندکی از روایات به بیعت مردم با امام و جنگ معاویه با امام اشاره می‌کند.

دسته سوم نیز گزارش صلح معاویه با امام، خطبه‌های امام، خرده‌گیری شیعیان امام بر ایشان به دلیل پذیرش صلح، رابطه ایشان با امویان و مخالفان و درگذشت امام را شامل می‌گردد.

توجه به حیات اجتماعی امام از نکات مثبتی است که ابن سعد توجه زیادی به

آن نموده است. غلبه گزارش‌های مناقبی درباره امام حسن (ع) مشهود است. نقدهایی نیز بر کتاب وارد است که می‌توان از جمله آن‌ها انتخاب ارزش‌مدارانه گزارش‌ها، وجود روایات متناقض و توجه ناکافی به واقعه جنگ معاویه و صلح او با امام دانست.

منابع

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابراهیم ابوالفضل، چاپ اول، بی‌جا: دار احیاء الکتب العربی، ۱۳۷۸ ق.
۲. ابن ابی شیبہ کوفی، المصنف، تحقیق سعید اللحام، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۳. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۴. _____، الكامل فی التاریخ، بیروت: دارالصادر، ۱۳۸۵ ش.
۵. ابن اعثم کوفی، ابومحمد أحمد، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۶. ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی بن محمد، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، چاپ اول، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.
۸. ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمده عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۷ ق.
۹. ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

۱۰. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار (علیهم السلام)، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل أبی طالب (علیهم السلام)، چاپ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۱۲. ابن طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، چاپ اول، قم: خیام، ۱۴۰۰ ق.
۱۳. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، چاپ اول، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، فهرست ابن الندیم، بی جا، بی نا، بی تا.
۱۵. ابن سعد، محمد بن سعد هاشمی بصری، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۱۶. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، البدایه و النهایه، تصحیح علی شیری، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
۱۸. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز: چاپ مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۱۹. الاصابه، بیروت: دار کتب العلمیه، چاپ اول، ۱۹۹۵ م.
۲۰. اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، تحقیق کاظم المظفر، نجف: منشورات المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵.
۲۱. الالبانی، محمد ناصر، سنن ترمذی، زیر نظر زهیر الشاویش، بیروت: المکتب الاسلامی، بی تا.
۲۲. ایمانی، حسین، «پژوهشی پیرامون فرزندان و همسران امام حسن (علیه السلام)»، مجله

کوثر، شماره ٥٥، ١٣٨٢

٢٣. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، مدینه معاجز الأئمه الإثنی عشر، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ١٤١٣ق.

٢٤. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت: دارالفکر، ١٤٠١ق.

٢٥. برهان البلداوی، وسام، القول الحسن فی عدد زوجات الامام الحسن (ع)، کربلا: عتبه الحسینیة المقدسه، ٢٠٠٨م.

٢٦. بسوی، ابویوسف یعقوب بن سفیان، کتاب المعرفه و التاریخ، تحقیق اکرم ضیاء العمری، بیروت: مؤسسه الرساله، ١٤٠١ق.

٢٧. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت: دارالفکر، ١٤٠٣ق.

٢٨. تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ١٤١٩ق.

٢٩. جلالی، محمدحسین الحسینی، فهرس التراث، قم: دلیل ما، ١٣٨٠ش.

٣٠. حسن بن علی مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ٣، تحقیق اسعد داغر، چاپ دوم، قم: دارالهجره، ١٤٠٩.

٣١. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤١٣ق.

٣٢. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، تاریخ بغداد، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه العلمیه، ١٤١٧ق.

٣٣. دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم ابن قتیبه، الامامه و السیاسه، تحقیق طه محمد زین، بی جا، مؤسسه الحلبي و شرکاه، بی تا.

٣٤. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، تصحیح عمر عبدالسلام

- التدمری، چاپ اول، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷.
۳۵. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، **سیر اعلام النبلاء**، تحقیق شعیب ارنؤوط، حسین اسد، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ نهم، ۱۴۱۳ق.
۳۶. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، **میزان الاعتدال**، تحقیق محمدالبجاوی، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۸۲ق.
۳۷. رازی، ابوعلی مسکویه، **تجارب الامم**، تحقیق ابوالقاسم امامی، چاپ دوم، تهران: سروش، ۱۳۷۹ق.
۳۸. زرکلی، خیرالدین، **الاعلام**، چاپ پنجم، بیروت: دارالملايينف ۱۹۸۰م.
۳۹. زمانی، احمد، **حقایق پنهان**، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۴۰. صالحی شامی، **سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد**، محمد بن یوسف، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۴۱. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، **معانی الأخبار**، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۳ق.
۴۲. _____، **عیون أخبار الرضا (علیه السلام)**، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
۴۳. _____، **الأمالی**، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۴۴. صفدی، خلیل بن ایبک، **الوافی بالوفیات**، تحقیق احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۲۰ق.
۴۵. صفری، نعمت الله و معصومه اخلاقی، «نقد و بررسی زندگی اما حسن (علیه السلام) از دیدگاه دونالدسن»، **مجله طلوع**، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، بهار ۹۱، ش ۳۹.

۴۶. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.
۴۷. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامه، چاپ اول، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.
۴۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك (تاریخ طبری)، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۳ق.
۴۹. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، چاپ اول، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
۵۰. _____، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۵۱. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵۲. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضه الواعظین، قم: انتشارات رضی، بی تا.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۵۴. کمپانی، فضل الله، حسن کیست، بی جا: فراهانی، ۱۳۵۴ش.
۵۵. کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب امام امیرالمؤمنین، تحقیق محمدباقر محمودی، قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
۵۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۵۷. محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: داراحیاء التراث

العربی، ۱۴۰۳ ق.

۵۸. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، چاپ اول،

قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

۵۹. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، بورسعید، مکتبه الثقافه الدینیّه، بی تا.

۶۰. نویسندگان، دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی،

تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.

۶۱. یافعی، عبدالله بن اسعد، مرآه الجنان و عبره الیقظان، تحقیق خلیل منصور،

بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.

۶۲. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دارصادر، بی تا.